

به نام خدای مهربان

کبوتر دانه می خوردند من دو کتاب فارسی دارم .

امشب شام سبزی پلو با ماهی داریم ، امشب اسفند تمام می شود و

نوروز فرا می رسد .

با آمدن نوروز خانه ی ما خوش بو می شود .

من لباس نو می پوشم و به دیدن پدر بزرگ و مادر بزرگ می روم .

آن ها به من کادو می دهند .

خورشید - روشنایی - موتور - نوزاد - نوک مراد